

آنتونی براون

آشنایی با آنتونی براون تصویرگر کتاب‌های کودک

شراره خسروانی

براون دیده می‌شود.

براون در کارهای بعدی، شخصیت اصلی کتاب‌هایش، یعنی گوریل‌های انسان‌نما را با پردازشی دقیق انتخاب می‌کند. از آن‌جا که پس‌زمینه زیستی در کارهای هنرمندان تأثیر به‌سزایی دارد، لذا آنتونی براون نیز از این قاعده مستثنی نیست. پدرش مشت‌زنی ماهر بود که همیشه پسرانش را به ورزش و فعالیت تشویق می‌کرد. در عین حال مشوق آن‌ها در طراحی، شعر و ادبیات بود. پدر براون در اثر سخته ناگهانی، در جوانی درگذشت. براون می‌گوید: گوریل‌ها حیوانات قدرتمند، بزرگ و خشن، انسان‌نما و در ضمن بسیار متشخص و حساسند.



براون - نمایشگاه بولونیا ۲۰۰۵

این تضاد بین خشونت و حساسیت، بر زندگی عاطفی کودکان تأثیر می‌کند و به آن نشاط می‌بخشد. بدین ترتیب دوره تازه‌ی کارهای براون آغاز می‌شود و کتاب‌هایی با این شخصیت‌ها به تصویر درمی‌آید. شاید بتوان گفت استفاده از تصویر گوریل، برای براون نوعی امضای کاری محسوب می‌شود و کارش را به سادگی از دیگران متمایز و قابل تشخیص می‌سازد. ویلی شخصیتی است که بارها در کتاب‌هایش نقش آفرینی کرده است؛ مثل کتاب‌های ویلی خیالیاف و ویلی بی‌عرضه.

ویلی بی‌عرضه، مربوط به سال ۱۹۸۴ است. این کتاب هم‌چون کتاب‌های دیگرش، پیامی ساده برای کودکان به همراه دارد؛ پیامی که با طنز درهم‌آمیخته است و فضای پند و نصیحت به خود نمی‌گیرد. کتاب آلیس در سرزمین عجایب (۱۹۸۸) و تغییرات (۱۹۹۰)، از دیگر کتاب‌های براون است. آنتونی براون در کتاب تغییرات، به جنبه‌های دیگر و نیز مسائل واقعی اشاره می‌کند. داستان از این‌جا آغاز می‌شود که پدر ژوزف، هنگامی که برای آوردن مادر از خانه خارج می‌شود، به او می‌گوید: همه چیز تغییر خواهد کرد. این جمله ژوزف را به دنیای هولناک و هراس‌آوری می‌برد تا این که مادر با فرزند جدیدش وارد می‌شود. فضایی که براون برای لحظات تنهایی کودک تصویر کرده، بسیار زیباست.



هانسل و گرتل

آنتونی براون (Anthony Browne)

متولد سال ۱۹۴۹ میلادی در شفیلد انگلستان است. تجربه‌های اولیه او در تصویرگری پزشکی، زمینه را برای ارائه کارهای متأخرش فراهم کرد. اولین کتاب او «درون آینه جادویی» (۱۹۷۶) نام دارد. داستان راجع به کودکی است که با وارد شدن به فضای سوررئال درون آینه، از زندگی کسالت‌بار و عادی خود رهایی می‌یابد. از اولین کتاب براون، تمایلیش به ارائه تصاویر سوررئال به خوبی دیده می‌شود. تصاویر این کتاب، دارای فضایی خالی است که بیشتر به ارائه ذهنیت هنرمند می‌پردازد تا ساخت و ساز تصویر و پردازش آن. فضاپردازی در این کتاب،

با کتاب‌های بعدی‌اش متفاوت است. تکنیک ساده‌تر، پردازش کم‌تر و اشاره مستقیم‌تر به ذهنیات براون در این کتاب مشهود است. براون خودش نویسنده کتاب‌هایش هم هست و لذا کتاب‌ها بیشتر با تصویرسازی خودنمایی می‌کنند و مطالب اکثراً کوتاه و مختصر و گاه در حد یک جمله‌اند.

براون در کتاب بعدی‌اش، هانسل و گرتل، به فضاسازی بیشتری می‌پردازد و شوخی‌هایی عمیق‌تر و دقیق‌تر در کارهایش نمود می‌یابد. در این کتاب که توسط براون بازآفرینی شده، زمان مربوط به گذشته‌های خیلی دور نیست. پدر روزنامه می‌خواند، مادر از لوازم آرایش به روز استفاده می‌کند و کودکان لباس‌های قدیمی نپوشیده‌اند.

در صحنه‌ای که پدر و مادر، کودکان را به جنگل می‌برند، پس‌زمینه و درختان، فضایی رعب‌آور را القا می‌کنند؛ گویی از اتفاقی ناگوار خبر می‌دهند. جادوگر این داستان عینک می‌زند و لباسی کاملاً مرتب بر تن دارد. باطن مکار او با نشان دادن گربه سیاهی که با لباس سیاه جادوگر یکی می‌شود و هر دو به مخاطب نگاه می‌کنند، نمایش داده شده است. در این تصویر، سقف منزل جادوگر هم نقش لباس نامادری هانسل و گرتل است؛ گویی شخصیت‌های منفی به یکدیگر مربوطند و هر یک تداعی‌کننده دیگری است. این ویژگی، یعنی توجه به متن و تسخیر روح داستان، در تمامی کارهای



درون آینه جادو

دارد. براون بسیار تحت تأثیر کارهای «زنه مگریت» است. او به کرات به این موضوع اشاره دارد؛ چه در این کتاب و چه در کتاب‌های بعدی‌اش. از شاهکارهای براون می‌توان به کتاب صداها در پارک (۱۹۹۸) اشاره کرد. این کتاب دارای چهار قسمت کوتاه است. چهار نفر (یک زن رئیس‌مآب، مرد غمگین، پسرک تنها، دخترک جوان و پرشور) وارد پارک می‌شوند. جزء جزء این کتاب اشاره‌هایی نمادگونه به حال و هوا و نوع نگاه این افراد دارد.

در صحنه‌ای که مادر و پسرک روی صندلی پارک در کنار هم نشسته‌اند، سایه مادر بر پسرک افتاده که خیلی ظریف تسلط مادر بر پسرک را نشان می‌دهد. جهت نگاه پسرک به افرادی است که در آن سوی نیمکت نشسته‌اند و تمایل کودک را برای ارتباط با دیگران نشان می‌دهد. جهت ناهمگون نشستن مادر و کودک، حاکی از تضاد شخصیت آن‌هاست.

صحنه‌ای که مرد به دنبال یافتن شغل، روزنامه را جست‌وجو می‌کند، تفاوت نوع زندگی‌اش با زن رئیس‌مآب، توسط تصویر تیر چراغ برقی که هم‌چون خطی قاطع فضا را تقسیم می‌کند و قسمت بیشتر را به زن اختصاص می‌دهد، به خوبی نمایان است. درختان در پس زمینه در حال فریاد کشیدن هستند و روحیه و حالت مادر را به خوبی نشان می‌دهند.

در صحنه‌ای دیگر از این کتاب که بچه‌ها در حال بازی هستند، فضای بازی سمت پسرک، بسیار غمزده و تیره و فضای سمت دخترک، با رنگ‌های شاد و روشن تصویر شده؛ ابرهای تیره سمت پسرک است و در قسمتی که دخترک قرار دارد، ابری دیده نمی‌شود. تصویر پسرک بر سطح سرسره، وحشت‌زده است. وجود تیر چراغ برق

او این هراس را بهانه‌ای برای شوخی‌های بعدی با وسایل خانه قرار داده است؛ قهوه جوشی که به گربه تشبیه شده یا کاناپه‌ای که سوسمار یا گوریل است. این بار گرچه شخصیت اصلی کتاب انسان است، همان اشاره ساده همیشگی دخالت می‌کند؛ مثل صحنه‌ای که کودک به پنجره نگاه می‌کند و تصویر چشمان گوریل غول پیکر را در منظر پنجره می‌بیند. در صحنه‌هایی که گوریلی حضور ندارد، به بهانه‌ای، پوست موز به تصویر درآمده که فضایی طنزآمیز و نامعقول را القا می‌کند.

براون دیدی دقیق و ظریف دارد که با بررسی تک‌تک تصاویر خلق شده توسط او، می‌توان به این نکته پی برد. مثلاً روی جلد «کتاب خوکی» (۱۹۹۶)، با داستانی در مورد مادری که عهده‌دار همه کارهای خانه است، به خوبی و در یک نگاه مضمون کتاب را دربردارد. در نگاه اول و بدون توجه به

تغییرات

متن، تصویری طنزآمیز دیده می‌شود، اما با خواندن کتاب می‌توان به نکته سنجی براون پی برد که مفهوم کتاب را در یک تصویر و روی جلد به کار برده است.

در کتاب ویلی خیالباف (۱۹۹۷)، براون به علاقه‌اش به سبک سوررئال اشاره‌ای مستقیم دارد. او شخصیت اصلی، یعنی ویلی را در دریا به جای شخصیت‌های مختلف می‌گذارد. در یک تصویر، او ویلی را در تابلوی «سالوآردو دالی» در فضایی تغییر یافته قرار می‌دهد. زمان از دست رفته، این بار با فضای براون درهم می‌آمیزد و شاید تبدیل به موزه‌ای از دست رفته می‌شود.

در این کتاب دورتادور تصاویر، قابی چوبی تصویر شده؛ گویی هر تصویر تابلویی است که در کتاب جا





ویلی خیالیاف

پسرک به ایجاد تغییر و دگرگونی وضعیت‌اش و خلاصی از تنهایی و ارتباط با دیگران نشان دارد.

نوع حروف انتخاب شده در هر قسمت از کتاب، متفاوت و مرتبط با ویژگی شخصیت‌ها و درونمایه متن است. برای نوشتن نام کتاب، از ترکیب حروف انتخابی درون متن استفاده شده است و این خود پیش‌زمینه ذهنی خوبی برای خواننده فراهم می‌کند.

آنتونی براون، تاکنون ۲۰ کتاب برای کودکان تصویر کرده است. کتاب -های او نه تنها برای کودکان آموزنده است، بلکه برای بزرگسالان نیز بسیار جذاب و تحسین‌برانگیز است. او در سال ۲۰۰۰، برنده جایزه آندرسن شد.

منابع:

- نشست برندگان جایزه آندرسن، نمایشگاه بولونیا، ۲۰۰۵
- Glistrup Eva, The Hans christan Andersen awards ۱۹۵۶-۲۰۰۲ IBBY. Denmark. ۲۰۰۲

منابع تصویری:

- Brown Anthony, changes, london, julia. Mac (تصویر ۴) ۱۹۹۰
- Hansel and Gretel, London, walker books, ۱۹۸۱ (تصویر ۳)
- Brown Anthony, piggy book, London, walkerbooks, ۱۹۹۶ (تصویر ۵)
- Brwon Anthony, Through Majic Mirror, London, ۱۹۷۶ (تصویر ۲)
- Brown Anthony, voices in the tark, london, Boubleday, ۱۹۹۹ (تصاویر ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰)
- Brown Anthony, willy the Deramer, London, Walkerbooks, ۱۹۹۴, (تصویر ۶)
- Brown Anthony, willy the wimp. London, Julia MaeRae, ۱۹۸۴



صداها در پارک

در پس‌زمینه، با کلاهکی به شکل کلاه مادر، حضور و تسلط او را مکرراً تأکید می‌کند.

براون از این تصویر در جزء جزء کتاب، هم استفاده‌های نمادین دارد و هم برای خلق اثری سوررئال (با ردیابی از مگریت) استفاده می‌کند.

در تصویر پایانی کتاب، سایه پسرک در کنار مادر دیده می‌شود و به بهتر شدن رابطه آن اشاره می‌کند. در این کتاب، اشارات و تداعی را حتی در جزئیات تصاویر هم می‌توان دید. به عنوان مثال، حضور سگ زرد رنگ پسرک در اوائل کتاب در پس‌زمینه و سپس به طور نمادین و نشانه‌ای از خود پسرک در کل کتاب که پیوسته به دنبال سگی سیاه رنگ و بازیگوش می‌دود، از تمایلی

کتاب خوکی

